

**ارامنه در دفاع مقدس،** تاریخ دفاع مقدس را که می‌خوانی، سراسر فداکاری مردان و زنانی است که از هر قشر و طبقه جامعه با هر مرام و مسلکی، تنها برای دفاع از ناموس و ایمان خود جنگیدند. کارگر، دانشجو و دانش‌آموز، روحانی و مهندس، دکتر و کشاورز و بنا، همه و همه در کنار هم در یک جبهه و در مقابل دشمن متجاوز ایستادند. در این میان اقلیت‌های مذهبی نیز با حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی، برگ زرین دیگری بر دفتر درخشان دفاع این مردم افزودند و با تقدیم صدها شهید و جانباز و آزاده، دِین خود را به این مرز و بوم ادا کردند. اما آنچه مربوط به ارامنه ایرانی است چنین است: ارامنه ایران به‌عنوان اقلیت مذهبی رسمی در اوضاع و احوال جنگ در کشور آماده هرگونه جان‌فشانی بودند و در کنار عموم ملت ایران قرار گرفتند و با آن‌ها همراه شدند. سربازان دلیر ارمنی در جبهه‌های جنگ به بهای فدای جان خود، رشادت‌های شایانی کردند و کل جامعه ارامنه در عملیات پشت جبهه، همگام با هم‌وطنان مسلمان خود و برابر با آنان تا جایی که می‌توانستند به ‌جبهه‌های نبرد کمک کردند. جنگ در 22 سپتامبر 1980 برابر با 31 شهریور 1359 آغاز شد و نیروهای متجاوز عراقی بدون اعلام قبلی و به‌طور غافل‌گیرانه به ایران حمله کردند و با اشغال هزاران کیلومتر از خاک ایران، خسارات بسیار به بار آوردند و جان بسیاری از مردم را گرفتند. مردم دیندار و دلیر ایران با استقبال از فراخوان امام خمینی (ره) به‌طور یک‌پارچه برای دفاع از حقوق بر حق خود و آزادی و استقلال میهن به پا خواستند. ارامنه کشور ما نیز همانند دیگر مردم ایران با پایداری در برابر ویرانگری‌های دشمن که تجاوز وحشیانه‌ای کرده بود، ایستادگی کردند و غیر از سربازانی که در جبهه‌های جنگ به شهادت رسیدند و ده‌ها قربانی دیگر؛ تعدادی از خانه‌ها و اماکن عمومی ارامنه مانند مدرسه، کلیسا و انجمن‌ها در عملیات نظامی و بمباران‌ها خسارت و صدمه دیدند. در این رابطه می‌توان از کلیساهای مسروپ مقدس و هوانس کاراپت مقدس در شهرهای اهواز و آبادان که مستقیماً در منطقه جنگی قرار داشتند و کلیسای سرکیس مقدس در تبریز و خ استپانوس مقدس ارومیه نام برد. در پی بمباران‌های تهران نیز کلیسای سرکیس مقدس در خیابان کریم‌خان و ساختمان مدارس آراکس و گلبنگیان خسارت دیدند. جامعه ارامنه ایران وظیفه خود می‌دانست که در عملیات پشت جبهه نیز حضوری بیشتر داشته باشد و ازاین‌رو شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران به ریاست اسقف اعظم آرداک مانوکیان بنا به تصمیم جلسه 27 سپتامبر 1980 با انتشار بیانیه‌ای شدیدالحن، تجاوز رژیم بعثی عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران را به‌شدت محکوم کرد و در کنار آن آمادگی کل ارامنه ایران را برای کمک به جبهه‌های جنگ تحمیلی اعلام کرد. با انتشار این اطلاعیه، فعالیت‌ها آغاز شد و شورای خلیفه‌گری با ارسال تلگرامی به حضور امام خمینی (ره)‌، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت؛ به ایشان و مردم ایران اعلام کرد که ارامنه ایران حمله رذیلانه به کشور را محکوم می‌کنند و در آن با ستایش از مقاومت دلاورمردان ایران، از اراده و روح ایثار بی‌پایان ایشان یادکرد (همان). شورای خلیفه‌گری در نخستین گام خود، آمادگی ارامنه ایران را برای اهدای خون به ستاد مرکزی جنگ کتباً اعلام کرد و سپس یک حساب بانکی برای واریز کمک‌های نقدی افتتاح شد. شورای خلیفه‌گری هم‌زمان با آن، اقدام به گردآوری انواع کمک‌های نقدی و جنسی و متمرکز‌کردن آن‌ها برای ارسال به مناطق جنگی کرد. ستاد کمک‌رسانی شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران برای اعلام موجودیت این ستاد و به قصد ایجاد هماهنگی در امر شرکت در فعالیت‌های پشت جبهه؛ نامه‌هایی به نخست‌وزیر، ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی و برخی از ارگان‌ها و ادارات دولتی ارسال کرد. گفتنی است که غیر از کمک‌هایی که ازسوی شورای خلیفه‌گری رسماً جمع‌آوری و ازسوی جامعه ارامنه اهداشده بود؛ برخی از ارامنه ایران به‌خصوص از طریق عضویت در اصناف و اتحادیه‌های مختلف و به طرق دیگر نیز کمک‌های چشمگیری داشتند و در فعالیت‌های پشت جبهه نیز شرکت کردند که از میان آنان می‌توان از اهدای کمک‌های نقدی و غیرنقدی دانش‌آموزان مدارس ارامنه به جبهه‌ها که با اطلاع و حمایت شورای خلیفه‌گری و ازسوی مدیرکل وزارت آموزش‌وپرورش مناطق مربوطه تدارک دیده شده بود، نام برد (خبرگزاری دفاع مقدس، 25/4/1392). در خصوص شهدای ارامنه، می‌توان از سرباز شهید زوریک مرادیان نام برد. او نخستین شهید ارمنی نیز است که در لشکر 64 پیاده ارومیه، خمپاره‌انداز بود. در 1339 در تهران دیده به جهان گشود. شهید مرادیان به‌عنوان وظیفه شهروندی خود در قبال میهنش ایران، به خدمت سربازی رفت. وی به پادگانی در منطقه جنگی پیرانشهر اعزام شد و در آنجا با وظیفه‌شناسی و ازخودگذشتگی به شهادت رسید. شهادت زوریک مرادیان در 22 مهرماه 1359 براثر اصابت یکی از بمب‌ها، روی سنگر شهید زوریک منفجر شد و او را به افتخار شهادت رساند (ایبنا، 8/7/1401). آرا شاوردیان نماینده ارامنه تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به آماری از شهدای ارامنه در کشور، بیان کرده است: «جامعه ارامنه کشور و در کل جامع ادیان توحیدی از همان اوایل انقلاب، شهدایی را تقدیم انقلاب کردند که سهم شهدای ارمنی، نزدیک به ۱۱۴ شهید است که تقدیم انقلاب و دفاع مقدس شده است». نماینده مسیحیان ارمنی تهران و شمال ایران در مجلس شورای اسلامی افزود: «در کنار شهدا نیز عزیزانی آزاده و جانباز هستند که از همان اوایل جنگ تحمیلی تا پایان سال‌های دفاع مقدس در اسارت رژیم بعث عراق بودند و شهدای ارمنی در خط مقدم جبهه در کنار دیگر هم‌وطنان در مقابل دشمن جنگیدند و به شهادت رسیدند» (ایسنا، 19/5/1401). علاوه بر حضور رزمندگان ارمنی در مناطق عملیات، گروه کثیری كه غالباً تكنسين‌هاي ماشين‌آلات سنگين و سبك، نظامي، تداركاتي، راه‌سازی، برق، مخابرات، سردخانه‌سازي و غيره بودند؛ ضمن انجام این خدمات، كليه ماشين‌آلات اسقاطي يا نيازمند تعمير اساسي را كه بايد به شهرها و تعمیرگاه‌های مجهز منتقل مي‌شدند، در همان منطقه تعمير و در اختيار رزمندگان قرار مي‌دادند. گروه ديگري از صنعتگران نيز در كارگاه‌هاي خود به‌ويژه در تهران و اراك اقدام به ساخت بيمارستان‌هاي سيار، حمام‌ها، سرويس‌هاي بهداشتي سيار و ساير تجهیزات موردنیاز نموده و به جبهه‌ها اهدا كردند. گروه 22 نفري مهندسان و متخصصان ارمني توانست طي دو هفته كار شبانه‌روزي در مناطق پشت جبهه، بيش از 140 خودروي نظامي و خدماتي را كاملاً تعمير و براي استفاده دوباره به جبهه ارسال كند. حضور صدها صنعتگر مسيحي در جبهه براي تعمير و راه‌اندازي خودروها و ادوات نظامي، ارسال ده‌ها كاروان هدايا،، ارسال ده‌ها دستگاه بلدوزر، لودر، آمبولانس، موتورسيكلت و ديگر وسایل موردنیاز جبهه، از ديگر فعاليت‌هاي آنان است (خبرگزاری فارس، 5/7/1388). اروش آوانسیان نایب رئیس شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران و شمال می‌گوید: «ما از همان اوایل جنگ ستادی تشکیل دادیم به نام ستاد پشتیبانی و همکاری جنگ که تمام حمایت‌های ارامنه از جنگ، ازجمله اعزام نیروها به جبهه‌ها از این طریق انجام می‌شد. ما صنعت کارهایی را داشتیم که می‌دانستند در جبهه‌ها کمبود‌هایی وجود دارد که در توانشان است آن کمبودها را جبران کنند و درحد خودشان می‌توانند مثمر ثمر باشند. مثلاً یکی از ارامنه، پوکه‌های تانک یا توپخانه‌ها را بعدازاینکه شلیک می‌شد، دوباره با وسایلی که داشت، در تناژهای بالا بازیافت و قابل‌استفاده می‌کرد. یا افرادی که تخصصشان در تعمیر گیربکس‌های اتوماتیک بود، به مناطق جنگی اعزام شدند و به تعمیر گیربکس ماشین‌آلات سنگین پرداختند. برای این کار باید ماشین‌های سنگین‌وزن را بلند می‌کردند؛ اما در جبهه‌ها چنین امکاناتی وجود نداشت، درنتیجه در همان جبهه تدابیری اندیشیدند تا بشود همان‌جا به‌اندازه کافی ماشین را بلند کند که تعمیراتش همان‌جا انجام شود. صنعت‌کاران دیگر هم در سایر زمینه‌های مختلف بنا به حرفه تخصصی خود در جنگ کمک‌های بسیاری کردند. روبرت بگلریان رئیس شورای خلیفه‌گری ارامنه می‌گوید: یک بُعد از حضور پررنگ ارامنه در جبهه‌های جنگ تحمیلی، به فرهنگ اقلیت‌ها یا مسیحیان ارمنی بازمی‌گردد. می‌دانید که ارمنی‌ها در ایران معروف هستند به اشتغال در حرفه‌ها و صنایع و از جنبه‌های فنی، آدم‌های توانمندی هستند. طبیعتاً زمان جنگ وقتی‌که از طرف دولت فراخوان شد، مردم هر کدام به توان خودشان حضور پیدا کردند. جوان‌هایی که سرباز بودند، از روی حس وظیفه‌شناسی و افرادی از روی علاقه و به‌طور داوطلب رفتند که آن هم خودش حکایت جالبی است. اما وقتی‌که فراخوان‌ها انجام شد، خودبه‌خود انجمن صنعتگران و شورای خلیفه‌گری دیدند یکی از کارها که باید در جبهه‌ها انجام شود، خدمات لجستیک و خدمات فنی و خودرویی است که ارمنی‌ها ید طولایی در این زمینه‌دارند. من و آقای وارتانیان نماینده مجلس بودیم. ایشان بهتر می‌دانند ما در اکثر مراسم‌هایی که می‌رویم به این موضوع اشاره می‌شود. حتی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) هر وقت از ارمنی‌ها و مسیحی‌ها صحبت شود، فوری مکانیک‌ها و صنعتگران یادشان می‌آید. مهندس وارتانیان نماینده پیشین ارامنه تهران و شمال می‌گوید: در آن ایام، ارامنه متخصصان و دانشمندانی در خدمت جنگ داشتند که به دلایل امنیتی و از این جهت در سازمانی که خدمت می‌کردند، رده حفاظتی و اطلاعاتی داشتند و هیچ وقت اسمشان مطرح نشد. این‌ها افرادی بودند که روی رادارها و قطعاتی از هواپیمای معروف اف 14 نیروی هوایی ارتش کار می‌کردند. در وضعیتی که کشور در تحریم بود، این‌ها بادانش خودکارهای بزرگی انجام دادند. باوجودآنکه کسی به‌ندرت از این موضوع اطلاع پیدا می‌کرد؛ اما من به‌عنوان نماینده مجلس یا عضو شورای خلیفه‌گری، به این اطلاعات محرمانه دست پیدا می‌کردم. دانشمندان ما در شرایط تحریم و برای جبران کمبودها، با دستگاه‌های دولتی همکاری می‌کردند تا آن تحریم‌ها موجب شکست نشود؛ اما به‌هیچ‌وجه هیچ کجا از این افراد نامی آورده نشده است و دلیل آن هم بنا به مصالح امنیتی بود. چون احتمال اینکه دشمن برایشان طرح و نقشه‌ای اجرا کند، وجود داشت. من اقتباس می‌کنم از اصطلاح سربازان گمنام که برای نیروهای وزارت اطلاعات استفاده می‌کنند، برای این افراد. این‌ها هم واقعاً رزمندگان گمنام ارمنی بودند» (همان). مهندس وارتانیان در ادامه می‌گوید: گروه دیگری که نباید حضورشان درارتباط با جنگ تحمیلی نادیده گرفته شود، پزشکان ارامنه هستند. انجمن پزشکان ارامنه بلافاصله بعد از آغاز جنگ، شورایی تشکیل دادند و تعدادی پزشک و جراح را راهی جبهه‌ها کردند و جراحی مجروحان جنگی را درهمان جبهه‌ها انجام دادند. آقای مهندس وارتانیان در خاطره‌ای از آن روزها می‌گوید: یک‌بار یکی از میهمانان عالی‌قدر خارجی به ایران آمده بود و من به‌عنوان نماینده و مترجم همراه وی، خدمت رهبر معظم انقلاب (مُدّظلّه‌العالی) رفتم. میهمان داشت از رزمندگان ارمنی که چه کارها و فداکاری‌هایی در جنگ کردند، می‌گفت و من هم ترجمه می‌کردم. رهبر معظم انقلاب در جواب فرمودند: اگر شما در خارج شنیده‌اید، من خودم از نزدیک دیده‌ام! هیچ وقت این دیدار و این جمله یادم نمی‌رود. آقای آوانسیان طی خاطره‌ای از آن روزها نقل می‌کند: یک‌بار هم‌کیشان ارمنی که در کار جوشکاری، باتری‌سازی یا صافکاری اتومبیل بودند، در داخل محوطه کلیسا جمع شدند. حدود 22نفر بودند و می‌گفتند: چرا ما را نمی‌فرستید جبهه؟ ما هم می‌خواهیم در دفاع از خاک کشورمان سهمی داشته باشیم. دوستان تماس گرفتند و موضوع را مطرح کردند. آن‌ها هم گفتند: اتفاقاً در جبهه‌ها خیلی به این افراد نیاز است و آن‌ها را بفرستید لشکر 64 پیاده ارومیه. ما هم آن‌ها را اعزام کردیم به آن منطقه برای خدمت در پشت جبهه. معمولاً نیروهای فنی بعد از دو یا سه هفته، به مرخصی می‌آمدند. اما این گروه یک هفته هم بیشتر آنجا ماند. نگران شدیم و تماس گرفتیم که چرا این‌ها به مرخصی نیامدند؟ به ما گفتند: ما به این گروه و تخصص‌هایشان در اینجا نیاز داریم. بعد از مدتی هم که برگشتند، گفتند: وقتی ما داشتیم برمی‌گشتیم، همه دعایمان می‌کردند. گفتیم چرا؟ گفتند: هرچه ماشین که نیاز به تعمیر داشت را ما درست کردیم. یادم هست برای این گروه تقدیرنامه آمد و فرمانده لشکر 64 نیروی زمینی ارتش درخواست داشت که گروه بار دیگر به منطقه اعزام شوند. یکی از همراهانمان به یاد می‌آورد، ارامنه‌ای که در جبهه‌ها بودند افرادی خوش‌رو و باصفا بودند؛ به‌طوری‌که هرکسی برای تعمیر ادوات یگان، پیش آن‌ها می‌رفت، روحیه می‌گرفت. آقای وارتانیان می‌گوید: «لازم می‌بینم در اینجا سه نفر از روحانی‌های دوره‌های مختلف خلیفه‌گری را نام ببرم؛ اسقف اعظم مرحوم آرداک مانوکیان که در تمام طول جنگ حتی روزهایی که اعلام شد تهران را تخلیه کنید و در بمباران‌های شدید موشکی، یک‌بار هم از اتاقش که در طبقه بالای همین بنا بود، خارج نشد و به پناهگاه پناه نبرد. کشیش اعظم باگراد ملکومیان نایب رئیس خلیفه‌گری بود. ایشان در کلیسای تبریز، در تمام طول جنگ مستقر بود. مرحوم دکتر کریون پاپیان اسقف جلفای اصفهان که ایشان هم آن‌قدر با قایق‌های تندرو در مناطق جنگی به این‌طرف و آن‌طرف رفت که نامش سر زبان‌ها افتاده بود. هر سه این رهبران دینی به معنای واقعی از جان‌مایه گذاشتند و مشوق معنوی ارامنه برای حضور در جنگ و پیوستن به آرمان‌های دفاعی مردم ایران بودند (روزنامه ایران، 13/10/1396). **مآخذ:** پایگاه اطلاع‌رسانی ایبنا، 8/7/1401؛ پایگاه اطلاع‌رسانی ایسنا، 19/5/01401، کد خبر 71541؛ پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری دفاع مقدس، 25/4/1392؛ پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس، 5/7/1388؛ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه ایران، 13/10/1396.